

## سیاست، جنبش‌های اجتماعی و بدن

نویسنده: رندالف هول

مترجم: مائده سبط نبی

### چکیده

در این مقاله طرحی مفهومی از «بدن» از منظر پژوهش جنبش اجتماعی ترسیم می‌کنم که نشان می‌دهد بدن هم تجسم فرهنگ مدنی و هم عامل قدرت‌بخش تغییر است. پس از بررسی انتقادی سه بحث اصلی ادبیات بدن، یعنی «زیست‌سیاست»<sup>۱</sup>، «بدنمندی»<sup>۲</sup> و «فمینیسم»<sup>۳</sup>، شرح می‌دهیم چرا این سه برای توضیح خود بدنمند در جنبش‌های اجتماعی کافی نیستند. پیشنهاد می‌شود برای فهمیدن چرایی و چگونگی استفاده جنبش‌های اجتماعی از بدن به منظور ایجاد تغییرات فرهنگی و اجتماعی، مفاهیم «پرفورماتیویتی»<sup>۴</sup> و «پرفورمنس»<sup>۵</sup> را با هم ترکیب کنیم. با ترکیب این دو مفهوم بهتر می‌توان فهمید جنبش‌های اجتماعی برای شکل دادن به پرفورمنس‌های بدنمند، که نوعی ارتباط نمادین<sup>۶</sup> هستند، چطور هنجارهای مدنی را استفاده می‌کنند، به چالش می‌کشند و بازتولید می‌کنند. هدف از شکل دادن به پرفورمنس‌های بدنمند ایجاد تغییر فرهنگی و سیاسی است. با ترکیب مفاهیم پرفورماتیویتی و پرفورمنس، نظریه‌ای درباره بدن در جنبش‌های اجتماعی ارائه خواهیم کرد که به این موارد می‌پردازد: (۱) محدودیت‌های اخلاقیات مدنی هنجاری که آشکال بالقوه مبارزه را محدود و پیامدهای سیاسی را پیش‌بینی‌پذیر می‌کند، (۲) پرفورمنس‌های بدنمند چگونه در جمعیتی ناهمگون همبستگی و اتحاد ایجاد می‌کنند تا بسیج نیروها شکل بگیرد، و (۳) بروز شکاف درون گروه‌های اجتماعی و بازقشربندی افراد در گروه‌های جدید طی فرایند جنبش اجتماعی.<sup>۷</sup>

بدن در درک ما از نظریه و قدرت سیاسی نقشی اساسی داشته است، اما در تحقیقات جنبش اجتماعی کاملاً مفهومی‌سازی نشده است. استعاره‌های مربوط به بدن به‌وفور در واژگان سیاسی ما حضور دارند؛ استعاره‌هایی مانند «سر دولت»<sup>۸</sup> به معنای

۱. Biopolitics

۲. Embodiment

۳. Performativity

۴. Performance؛ پرفورماتیویتی یعنی نحوه استفاده از پرفورمنس‌های هنجاری تکرار شونده برای ایجاد مناسبات، گروه‌ها، مرزبندی‌ها و روابط جدید به‌منظور حفظ جامعه. در مقابل، پرفورمنس به میزان کفایت و توانایی در انجام و تکمیل پرفورمنسی خاص گفته می‌شود. م.

۵. Symbolic communication

۶. این مفهوم در بندهای بعدی توضیح داده می‌شود. اما برای درک بهتر خلاصه‌ای از آن را اینجا می‌آورم: ارزش‌ها و دغدغه‌های جدیدی که در طول جنبش اجتماعی مطرح می‌شود بین افراد گروه‌های مختلف شکاف ایجاد می‌کند. این افراد که از گروه‌های خود جدا شده‌اند و دغدغه و طرز فکر مشابه دارند به هم می‌پیوندند و بازقشربندی صورت می‌گیرد. در این ترجمه برای هر دو مفهوم Stratification و Refusion از واژه «بازقشربندی» استفاده شده است. م.

۷. Head of state؛ مشابه «سران دولت» در فارسی. م.

رئیس دولت، «بازوی قانون»<sup>۸</sup> به معنای پلیس، «ردپای کربن»<sup>۹</sup> به معنای میزان کربن تولیدشده و «بدن سیاسی»<sup>۱۰</sup> به معنای بدنه و مجموعه اجزای تشکیل‌دهنده واحدی سیاسی. در سراسر جهان اغلب تنها چیزی که گروه‌های به حاشیه رانده شده در زندگی بر آن کنترل دارند بدن است. این کنترل از طریق تبدیل بدن یا اعضای آن به کالا حاصل می‌شود و خطرهای آشکاری برای فردیت شخص دارد، با این حال شخص این خطرها را به جان می‌خرد.<sup>۱۱</sup> مطالعات پیشین به رابطه بین فرهنگ، قدرت سیاسی و بدن توجه کرده‌اند. برای مثال، شکل تکنیک‌های بدنی رایج نظامی مانند سلام نظامی و رژه ممکن است در فرهنگ‌های مختلف با هم فرق داشته باشند؛<sup>۱۲</sup> اما ویژگی مشترکشان این است که با قدرت دولت و انحصار خشونتش مرتبطند؛ زیرا دولت‌ها بدن‌های معمولی را به سربازان خوب تبدیل می‌کنند.<sup>۱۳</sup> بدن در نظریه‌های فرهنگی و سیاسی اهمیت بسیاری دارد؛ اما مباحث معاصر درباره بدن و کاربردشان در جنبش‌های اجتماعی و سیاست‌های منازعه‌آمیز توأم با مشکلات مفهومی است. هدف اصلی این مقاله ترسیم طرحی مفهومی از بدن برای تحقیقات جنبش اجتماعی خواهد بود.

قبل از اینکه به اهمیت بدن در جنبش‌های اجتماعی بپردازیم، خالی از لطف نیست رابطه بین جامعه‌شناسی سیاسی و ادبیات جنبش اجتماعی را بررسی کنیم تا بفهمیم چرا در تحقیقات جنبش اجتماعی به بدن پرداخته‌اند. جامعه‌شناسی سیاسی اساساً به نقش مهم و همواره متغیر دولت در جامعه داخلی و جهانی می‌پردازد، در رابطه با ماهیت قدرت رویکردی از بالا به پایین<sup>۱۴</sup> اتخاذ می‌کند، و بر نخبگان و تصمیم‌گیری نخبه بر ساختار جامعه تأکید علی دارد.<sup>۱۵</sup> با این حال، طی دو دهه گذشته جامعه‌شناسان سیاسی رویکردها و مفاهیم جدیدی را در حوزه تحقیق خود وارد کرده‌اند. برای مثال، ایده‌های وجود دارد که می‌گوید دولت است که بر تمام حوزه‌های زندگی مدنی تأثیر می‌گذارد؛ اما جامعه‌شناسان سیاسی اهمیت و نقش جامعه مدنی<sup>۱۶</sup> را مطالعه می‌کنند تا درک ما را از تأثیر جوامع دموکراتیک بر عملکرد دولت بالا ببرند و ایده پیشین را تصحیح کنند.<sup>۱۷</sup> جامعه‌شناسی سیاسی مفاهیم نظری مانند «حکمرانی»، «شبکه» و «میدان»<sup>۱۸</sup> را نیز مطرح می‌کند تا درک مسائل زیر برای ما ممکن شود:

۸. Arm of the law

۹. Carbon footprint

۱۰. The political body؛ می‌شود این استعاره‌ها را با اصطلاحات موجود در زبان فارسی، مانند «سران دولت» و «ژن خوب»، جایگزین کرد. م.

۱۱. Wacquant, 2004; Crowley-Matoka, 2005.

۱۲. Mauss, [1935] 2006.

۱۳. Foucault, 1977, p: 135-6.

۱۴. Top-down approach

۱۵. Tilly, 1978; Skocpol, 1979, 1985.

۱۶. Civil society

۱۷. Jacobs, 2003.

۱۸. Governmentality, Networks and Fields

- اهداف و استدلال‌های نهفته در اقدامات دولت؛
- ارتباط دولت‌ها در نظم جهانی؛
- سیاست‌ورزی دولت‌ها در رابطه با مجموعه محدودی از نتایج ممکن در زمانی معین.<sup>۱۹</sup>

بنابراین، با در نظر گرفتن حکمرانی و زیست‌سیاست است که پیوند بین دولت، قدرت و بدن را می‌بینیم. ادبیات جنبش اجتماعی مفهومی خاص و متمایز دارد، اما با جامعه‌شناسی سیاسی دولت و جامعه مدنی در هم آمیخته است. آنچه این حوزه‌های پژوهشی را از هم متمایز می‌کند درک متفاوت آن‌ها از قدرت در جامعه است. در رویکردهای دولت‌محور یا «خودمختاری دولت»<sup>۲۰</sup> جنبش‌های اجتماعی دولت را به چالش می‌کشند و امتیازاتی را در قالب حقوق، تغییر سیاست‌ها و مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری مطالبه می‌کنند.<sup>۲۱</sup> برای نظریه‌پردازان فرایندهای سیاسی،<sup>۲۲</sup> شکست یا موفقیت جنبش‌های اجتماعی تا حد زیادی به مدت‌زمانی بستگی دارد که فرصت سیاسی در سطح دولت به طول می‌انجامد.<sup>۲۳</sup> در مقابل، ادبیات جامعه مدنی دولت و جنبش‌های اجتماعی را رقبای خواهان قدرت نمی‌داند و بر وجه دیگری از موضوع تمرکز می‌کند. ادبیات جامعه مدنی بر این تأکید می‌کند که جنبش‌های اجتماعی در دل جامعه مدنی ممکن هستند و کارکرد دارند.<sup>۲۴</sup> قدرت جامعه مدنی که اغلب با مشارکت فعال شهروندان سنجیده می‌شود، حدود قدرت دولت را مشخص می‌کند. برخلاف بحث‌های دولت‌محور که قدرت را برحسب اجبار، انحصار خشونت و مشروعیت اقتدار تعریف می‌کند، قدرت در جامعه مدنی با اخلاق تعریف می‌شود؛ به این صورت که شهروندان از آرمان‌های فرهنگی برای قضاوت اعمال، نیت، انگیزه‌ها و ارزش اخلاقی همشهری‌های خویش استفاده می‌کنند.<sup>۲۵</sup>

بر اساس رابطه بین این دو حوزه پژوهشی، جای تعجب نیست که بدن آشکارا در تحقیقات جنبش اجتماعی غایب بوده است. بحث‌های رایج درباره ماهیت قدرت و اقتدار متکی بر این ایده است که قدرت در جوامع مدرن اساساً عقلانی است و بنابراین سوژگی‌های<sup>۲۶</sup> ما یعنی افکار، خواسته‌ها و غیره را شکل می‌دهد تا نیازهای بدنی، عواطف و لذاتمان را کنترل کند. درواقع، مباحث جنبش اجتماعی زاده و بازتولیدکننده دوگانه ذهن و بدن‌اند و هدفشان این است که کشف کنند جنبش‌های اجتماعی چگونه هویت و استراتژی‌های سیاسی را تولید می‌کنند.<sup>۲۷</sup> باین‌حال، بدن هیچ‌وقت کاملاً از درک جامعه‌شناسی سیاسی از قدرت

۱۹. Rose and Miller, 1992; Castells, 2000; Steinmetz, 2007; Jessop, 2007.

۲۰. Autonomy of the state

۲۱. Piven and Cloward, 1977.

۲۲. McAdam, 1999.

۲۳. منظور این است که فرصت‌های سیاسی که از طریق جنبش اجتماعی پیش می‌آیند گذراندن و میزان موفقیت جنبش اجتماعی به مدت‌زمان در دسترس بودن فرصت بستگی دارد؛ زیرا فرصت هرچه بیشتر به طول انجامد، احتمال شناسایی و استفاده از آن توسط جامعه مدنی بالاتر می‌رود. م.

۲۴. Cohen and Arato, 1992.

۲۵. Alexander, 1992.

۲۶. Subjectivity

۲۷. Eyerman and Jamison, 1991; Melucci, 1996; McAdam et al. 1996; Polletta, 1998; Armstrong, 2002.

غایب نبوده است. برای مثال، وبر «دست دادن» بازرگانان یا اعضای سازمان‌های داوطلبانه را به‌منزلهٔ تصدیق شخصیت اخلاقی برجستهٔ آن‌ها می‌دید که برای معاملات سرمایه‌داری ضروری است.<sup>۲۸</sup> با این حال، فقط زمانی که فوکو نشان داد قدرت سیاسی بر بدن و از خلال بدن اعمال می‌شود،<sup>۲۹</sup> نظریه‌پردازان سیاسی و فرهنگی به بدن به‌مثابه کلیدی برای درک تغییرپذیری، فضا‌مندی و زمان‌مندی قدرت سیاسی توجه کردند.<sup>۳۰</sup>

وجه متمایز بدن و جنبش‌های اجتماعی این است که جنبش‌های اجتماعی هنجارهای فرهنگی زهفته در گفتمان جامعهٔ مدنی را بدن‌مند می‌کنند و از این طریق اساس شمول مدنی<sup>۳۱</sup> را زیر سؤال می‌برند. برخلاف سایر فرایندهای سیاسی، نمی‌شود بدن را به رویکردی راهبردی یا ابزاری برای تغییرات فرهنگی و سیاسی تقلیل داد. رویکرد چارچوب‌بندی<sup>۳۲</sup> نمونه‌ای از استفادهٔ استراتژیک یا ابزاری از فرهنگ است. ایدهٔ نظریهٔ چارچوب‌بندی این است که جنبش‌های اجتماعی ایدئولوژی خود را در چارچوب‌های استراتژیک، مانند «چارچوب دموکراتیک»<sup>۳۳</sup>، می‌گنجانند تا مخاطبان بتوانند به‌راحتی ادعاها و نقاط مثبت و منفی آن‌ها را درک کنند.<sup>۳۴</sup> زمانی که چارچوب‌بندی با ایدئولوژی همراه شود، ظرفیت مطالبه‌گری از قدرت برای جنبش به ارمغان می‌آید. جامعه‌شناسان فرهنگی معتقدند چارچوب‌ها بسیار انتزاعی‌اند و ظرفیت پیش‌بینی این را ندارند که مخاطب تا چه حد می‌تواند چارچوب را به‌درستی تفسیر کند، مدت‌زمان اعتبار چارچوب چقدر است یا نحوهٔ پیدایش و شکل‌گیری چارچوب چگونه بوده است.<sup>۳۵</sup> بنابراین، بدن را نمی‌توان به «منبع»<sup>۳۶</sup> یا تجلی ایدئولوژی‌ای تقلیل داد که جنبش‌های اجتماعی برای کسب دستاوردهای سیاسی از آن بهره می‌برند. در جنبش‌های اجتماعی بدن نمایندهٔ مجسم هویت جمعی جنبش است؛ بخشی از هویت گروه به‌جنبش درآمده از طریق اعمال و پرفورمنس‌های اجتماعی بدن ساخته می‌شود.

هدف این مقاله ترسیم طرحی مفهومی از بدن در جنبش‌های اجتماعی است که نشان می‌دهد بدن هم تجسم فرهنگ مدنی و هم عامل قدرت‌بخش تغییر است. پس از بررسی انتقادی سه بحث اصلی ادبیات بدن و ارتباطشان با سیاست، یعنی «زیست‌سیاست»، «بدن‌مندی» و «پرفورمیتیویتی»، شرح خواهیم داد چرا هرکدام برای توضیح خودِ بدن‌مند در جنبش‌های اجتماعی کافی نیستند. در بخش پایانی این مقاله در دفاع از رهیافت بدن‌مند به جنبش‌های اجتماعی استدلال می‌آورم. پیشنهاد می‌شود برای فهمیدن چرایی و چگونگی استفادهٔ جنبش‌های اجتماعی از بدن در راستای ایجاد تغییرات فرهنگی و

۲۸. Wber, 1946[1958].

29. Foucault, 1977.

۳۰. سنت انسان‌شناختی بدن بازنماکننده پیش از آثار فوکو وجود داشته است، با این حال، داگلاس (۱۹۹۰) (و نظریهٔ تمایز پاک و ناپاکی او) بدن را نماد تفاوت فرهنگی می‌داند و به ماهیت قدرت، دولت-ملت‌ها، سازمان‌ها، جنبش‌های اجتماعی یا انقلاب‌ها نمی‌پردازد.

۳۱. Civic inclusion؛ اینکه چه کسی شهروند خوب و چه کسی شهروند بد محسوب می‌شود؛ فرد در جامعهٔ مدنی شهروندی معتبر است یا نه. م.

۳۲. Framing

۳۳. Democratic frame

۳۴. Snow et al. 1986; McAdam et al. 1996; McCammon et al. 2007.

۳۵. Steinberg, 1998; Polletta, 1998.

۳۶. Resource

اجتماعی، مفاهیم پرفورماتیویته و پرفورمنس را با هم ترکیب کنیم. با ترکیب این دو مفهوم بهتر می‌شود فهمید جنبش‌های اجتماعی برای شکل دادن به پرفورمنس‌های بدنمند، که نوعی ارتباط نمادین هستند، چطور هنجارهای مدنی را استفاده، درونی‌سازی و بازتولید می‌کنند. هدف از شکل دادن به پرفورمنس‌های بدنمند ایجاد تغییر فرهنگی و سیاسی است. با ترکیب مفاهیم پرفورماتیویته<sup>۳۷</sup> و پرفورمنس<sup>۳۸</sup>، نظریه‌ای درباره‌ی بدن در جنبش‌های اجتماعی ارائه خواهیم کرد که به این موارد می‌پردازد: (۱) توصیف بدنی فعال و توانمند که از گفتمان‌ها، روایت‌ها و کدهای مدنی<sup>۳۹</sup> غالب برای رفع محدودیت‌های خود سیاسی بدنمند مطرود استفاده می‌کند؛ (۲) توضیح اینکه چطور احساسات و عواطف برای ایجاد ارتباط بین افراد و بازتولید جماعت‌های سیاسی استفاده می‌شوند؛ (۳) توضیح پیامدهای هنجاری شکست یا موفقیت پرفورمنس‌ها برای نشان دادن اینکه پرفورمنس‌های بدنمند می‌توانند تنها جنبه یا نمادی از جنبش اجتماعی را به جریان سیاسی غالب وارد کنند.

## زیست‌سیاست

فوکو مفهوم زیست‌قدرت<sup>۴۰</sup> را از مطالعات قبلی خود درباره‌ی قدرت انضباطی<sup>۴۱</sup> متمایز کرد تا بررسی کند چگونه خود زیستی یعنی بدن به ابژه قدرت سیاسی تبدیل می‌شود.<sup>۴۲</sup> قدرت انضباطی با منزوی کردن مجرمان، روسپی‌ها و بیماران روانی در مؤسسات اجتماعی، مانند بیمارستان‌ها و زندان‌ها، به دنبال دفع و پیشگیری از رفتار بد یعنی جنایت، بدکاری و خشونت بود تا چیزی را که «هنجار» و رفتار خوب محسوب می‌شود ایجاد کند. زیست‌سیاست بیش از اینکه بر فرد تمرکز کند، بر استفاده از معیارهای سرزندگی، ارزش زندگی نزد افراد و رفاه به‌عنوان ابزاری برای حکومت کارآمد تأکید دارد. زیست‌سیاست بدون اینکه سیاست را به مقوله‌ای برای توضیح زیستی رفتار انسانی تقلیل دهد، پروژه‌های گسترده بهداشت عمومی را برای مردم به ارمغان می‌آورد. مطالعه زیست‌سیاست و مفهوم همراه و مکمل آن که حکمرانی است سیاست را به دیگر حوزه‌های پژوهش مرتبط می‌کند که لزوماً مضامین سیاسی ندارند؛ حوزه‌هایی مانند پزشکی، ژنتیک و معلولیت،<sup>۴۳</sup> کشاورزی،<sup>۴۴</sup> اقتصاد سبز و جغرافیا.<sup>۴۵</sup> با این حال، پرسش‌هایی درباره‌ی اینکه چه چیزی می‌توانیم از چارچوب زیست‌سیاست برای تحقیقات جنبش اجتماعی وام بگیریم باقی می‌ماند.

ظهور و به‌کارگیری قدرت انضباطی و زیست‌قدرت با تأسیس دولت-ملت‌ها در قرن‌های هجده و نوزده میلادی مرتبط بود، اما

۳۷. Butler, 1997; Bell, 2007.

۳۸. Alexander et al. 2006.

۳۹. Civic codes

۴۰. Biopower

۴۱. Disciplinary power

۴۲. Foucault, 1977, 1978, 2007.

۴۳. Rose, 2007.

۴۴. Herring, 2007.

۴۵. Rutherford, 2007.

جنبه‌ای کلیدی از زیست‌سیاست با اشکال انضباطی قدرت تفاوت داشت: چگونگی مفهوم‌سازی بدن و استفاده از آن برای اهداف سیاسی. اعمال قدرت انضباطی از طریق فرد یا «بدن منقاد»<sup>۴۶</sup> «در سطح خود مکانیسم شامل حرکات، ژست‌ها، رفتارها و چابکی که قدرتی تأثیرگذار بر بدن فعال‌اند» انجام می‌شد.<sup>۴۷</sup> به‌عنوان مثال، مدارس مسائلی مربوط به بدن را، مانند طرز صحیح نشستن پشت میز یا ایستادن برای جلب توجه معلم، آموزش می‌دادند و روز را به ساعت‌هایی تقسیم می‌کردند که به تکالیف تخصصی اختصاص داشت و در آن‌ها به بچه‌ها آموزش داده می‌شد چه چیزی و چطور بخوانند و بنویسند. تمرکز مدارس بر این بود که بدن‌ها را مطیع و بهره‌ور بار بیاورند، زیرا برخلاف ذهن، اگر بدن با عادات مختلف بدنی تربیت شود، دیگر موضوع آموخته‌شده را فراموش نمی‌کند. به همین دلیل است که فوکو می‌گوید تصادفی نبوده است که مدارس، کارخانه‌ها و زندان‌ها فضای مشابهی داشته‌اند.<sup>۴۸</sup> بدن‌های منضبط‌شده<sup>۴۹</sup> افراد را به دولت-ملت‌های ابتدایی و اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری وصل کردند. بنابراین، قدرت انضباطی دنبال تنظیم زندگی اجتماعی از خلال بدن منقاد برای ایجاد سوژه ایدئال خود، یعنی شهروند ایدئال، است.

در مقابل، زیست‌سیاست کارکردهای زیستی بدن را هدف قرار می‌دهد و آن‌ها را با «پروژه‌های جهانی»<sup>۵۰</sup> مانند «سلامت عمومی»<sup>۵۱</sup> و «عملکرد بهینه»<sup>۵۲</sup> پیوند می‌دهد.<sup>۵۳</sup> زیست‌سیاست کل مردم را در نظر می‌گیرد و اعمال قدرت آن در سطح جمعی است، اما قدرت انضباطی رفتارهای خطرناک و مخاطره‌آمیز را در سطح فردی تنظیم و ممنوع می‌کند. دولت قدرت انضباطی را در زندان و زیست‌قدرت را در پزشکی وارد کرده است. مثلاً دولت-ملت‌های قرن نوزده و اوایل قرن بیست میلادی با بیماری‌هایی مانند سل، وبا و سیفلیس در شهرها و مستعمرات خود مواجه بودند.<sup>۵۴</sup> سیفلیس به‌ویژه برایشان دردسرساز بود، زیرا بیماری مقاربتی لاعلاجی بود و قضاوت‌های اخلاقی درباره‌اش وجود داشت. گسترش سیفلیس ناآرامی‌های اجتماعی را سرعت بخشید. این ناآرامی‌ها در فرانسه حادث‌تر بود، زیرا در فرانسه بیماران، جنایت‌کاران و دیوانگان همگی به بیستر<sup>۵۵</sup> یا سالپتریر<sup>۵۶</sup> فرستاده می‌شدند. این دو مؤسسه اجتماعی هم کارکرد زندان داشتند و هم بیمارستان.<sup>۵۷</sup> زمانی که تلاش‌ها برای منزوی کردن و اصلاح روسپی‌ها با شکست مواجه شد، فرانسه درصدد قانونی کردن روسپی‌گری برآمد تا از این طریق بتواند

۴۶. Docile body

۴۷. Foucault, 1977, p: 137.

۴۸. Foucault 1977, 228

۴۹. Disciplined bodies

۵۰. Global project

۵۱. Public health

۵۲. Optimal performance

۵۳. Foucault, 2007; Rose, 2007.

۵۴. Quétel, [1986] 1990; Kertzer, 1999; Bashford, 2000; Jochelson, 2001; Howell 2004.

۵۵. Bicetre

۵۶. Salpetriere

۵۷. Quétel, [1986] 1990; Kertzer, 1999; Bashford, 2000; Jochelson, 2001; Howell, 2004.

آن را نظارت و مدیریت کند و شیوع سیفلیس را به حداقل برساند.<sup>۵۸</sup> این نظارت با فرستادن مأموران بهداشت عمومی برای بازرسی واژن، مقعد، زیر بغل و بین انگشتان پا برای بررسی وجود یا عدم وجود شانکر، که از علائم سیفلیس است، انجام می‌شد.<sup>۵۹</sup> مسئله سیفلیس کیفیت سلامت ارتش را با هویت ملی فرانسه پیوند داد و همراه با مشکلات کشاورزی، بیماری‌های همه‌گیر حیوانی و کودکان رهاشده، تهدیدی برای موقعیت فرانسه به‌عنوان قدرتی جهانی بود. به همین ترتیب، بریتانیا مجموعه قوانین بهداشت عمومی را در دهه ۱۸۸۰ تصویب کرد و روسپی‌گری استعماری را بر اساس مشتریان بومی و مستعمره‌نشین تقسیم کرد تا از گسترش سیفلیس به ارتش‌ها و مقامات استعمارگر خود جلوگیری کند.<sup>۶۰</sup> در مقابل، اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیست میلادی ایتالیا برای حل مشکل کودکان رهاشده و نگهداری از آن‌ها نوانخانه تأسیس کرد. در این نوانخانه‌ها پرستاران به نوزادان شیر می‌دادند؛ اگر نوزادی مبتلا به سیفلیس بود، پرستار هم مبتلا می‌شد. به این شکل سیفلیس در کشور ایتالیا گسترش یافت.<sup>۶۱</sup> در شهرهای فقیر ایتالیا به‌ویژه ناپل شیوع مکرر سیفلیس وجود داشت، اما دولت از سرمایه‌گذاری در زیست‌سیاست سر باز می‌زد. به همین خاطر تردیدهایی درباره مشروعیت دولت ایتالیا ایجاد شد.<sup>۶۲</sup> به‌اختصار، دولت‌ها دریافتند جمعیت سالم، جمعیت شاد است. توانایی دولت برای «مراقبت» از جمعیت خود در جنبه‌های گوناگون، و نه فقط از نظر نظامی، به عنصری اساسی برای مشروعیت اقتدار دولت تبدیل شد. با منع لغزش و اجازه لغزش<sup>۶۳</sup> در بدن منضبط است که تفاوت «بدن منقاد» را که منضبط است با «بدن اجتماعی» که مدیریت می‌شود درمی‌یابیم.

باینکه بیشتر انتقادات مفهومی وارد شده به آثار فوکو به تأکید او بر قدرت انضباطی مربوط می‌شود،<sup>۶۴</sup> ایده زیست‌سیاست او برای جنبش‌های اجتماعی قابل استفاده و مفید است. جنبش‌های اجتماعی روی سلامت و رفاه جمعیت خود سرمایه‌گذاری می‌کنند، و بنابراین انواع زیست‌سیاست‌های لازم خود را به کار می‌گیرند. در تابستان آزادی می‌سی‌سی‌پی<sup>۶۵</sup> در سال ۱۹۶۴، اس‌ان‌سی‌سی (کمیته هم‌هنگی خشونت‌پرهیز دانشجویی)<sup>۶۶</sup> انجمن‌های اجتماعی را برای آموزش رژیم غذایی سالم، مراقبت‌های دوره بارداری و دوران کودکی و همچنین نظارت پزشکی برای جمعیت سیاه‌پوست روستایی ایجاد کرد.<sup>۶۷</sup> جنبش‌های زیست‌محیطی با تبدیل بدن به نماد بی‌عدالتی زیست‌محیطی فقدان قوانین زیست‌محیطی و اجرای آن را به چالش

۵۸. Quetel, [1986] 1990.

۵۹. Quetel, [1986] 1990.

۶۰. Howell, 2004.

۶۱. Kertzer, 1999.

۶۲. Snowden, 1995.

۶۳. منع و اجازه لغزش در بدن یعنی هم به‌اندازه کافی اقدامات پیشگیرانه برای سلامت بدن انجام شود و هم احتمال بروز لغزش‌هایی مانند بیماری و غیره در آن نادیده گرفته نشود و غیرممکن پنداشته نشود. م.

۶۴. Turner, 1996.

۶۵. Mississippi Freedom Summer

۶۶. SNCC (The Student Non-Violent Coordinating Committee)

۶۷. Hohle, 2008.

می‌کشند. برای مثال، اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی انجمن صاحب‌خانه‌های لو کانال<sup>۶۸</sup> داده‌هایی را از ساکنان محله درباره بیماری‌های جدید اعضای خانواده‌ها، یعنی صرع و میگرن، جمع‌آوری کردند و از آن‌ها به‌عنوان زمینه‌ای برای مطالبه اقدام دولت استفاده کردند.<sup>۶۹</sup> این گروه‌ها نشان دادند بدن نادیده گرفته‌شده، بیمار و دچار سوء‌تغذیه نماد شهروندی به حاشیه رانده‌شده است و نقطه ورودی برای کنشگری جنبش اجتماعی فراهم کردند. با این حال، در چارچوب زیست‌سیاست این موضوع که حفظ سلامت زیستی چگونه به تعامل گسترده سیاسی منجر می‌شود ابهام دارد.

### محدودیت‌هایی برای جنبش‌های اجتماعی

مفاهیم زیست‌سیاست و حکمرانی با تأسیس و بازتولید دولت-ملت‌ها پیوند دارند و به مسئله جامعه‌شناختی ایجاد اشکال مشروع دانش و اقتدار می‌پردازند. در این چارچوب، مطالعه زیست‌سیاست به بررسی اشکال خاص حکمرانی و نحوه نظارت دولت-ملت‌ها و شهرداری‌ها بر جنبش‌های اجتماعی محدود می‌شود. بسیاری از جنبش‌های اجتماعی ابعاد سیاست زیستی دارند، در عین حال خواهان تضمین حقوق سیاسی به‌منظور دریافت حمایت اقتصادی و سیاسی از جانب همان مدارهای سیاسی و اقتصادی هستند که می‌خواهند به آن وارد شوند. به‌علاوه، جنبش‌های اجتماعی در حوزه جامعه مدنی قرار دارند؛ جامعه مدنی جنبش‌های اجتماعی و بدن را در بستر نهادهای مستقل از اقدامات دولت و همچنین در حوزه انعطاف‌پذیر اخلاق مدنی قرار می‌دهد.<sup>۷۰</sup> از این رو، تمرکز کنونی زیست‌سیاست و دولت بر مجموعه سوالات مفهومی متفاوتی است و به پرسش‌های پژوهشی مربوط به جنبش‌های اجتماعی نمی‌پردازد.

### بدنمندی

دومین رویکرد مهم به بدن و سیاست ادبیاتی است که پیرامون بدنمندی تولید شده است. رویکرد بدنمندی دنبال این است که ببیند چطور فرد جهان را از خلال بدن خود و در رابطه با طیفی از نیروهای سیاسی و اقتصادی تجربه و تفسیر می‌کند. بدنمندی دیدگاهی «بنیادی»<sup>۷۱</sup> از بدن ارائه می‌دهد. این دید بنیادی به بدن نشان می‌دهد دانش ما از جهان همیشه بر خاسته از منظر و موقعیت بدنمان در بستر روابط قدرت است.<sup>۷۲</sup> رویکرد بدنمندی تأکید می‌کند بدن وسیله‌ای برای مقاومت در برابر نابرابری‌های سیاسی و هم برای تداوم بخشیدن به نابرابری‌های سیاسی است. در واقع، رویکرد بدنمندی از مفهوم عادت‌واره بوردیو<sup>۷۳</sup> نشئت می‌گیرد؛ به این معنا که بدن ما محصول و حامل سرمایه فرهنگی (سلیقه‌های اجتماعی)، سرمایه اقتصادی (آنچه توان مالی دسترسی به آن را داریم) و سرمایه اجتماعی (کسانی که می‌شناسیم) است و بنابراین، ناخودآگاه نابرابری‌های

۶۸. LCHA (Love Canal Homeowners Association)

۶۹. Levine, 1982.

۷۰. Hohle, 2009.

۷۱. Foundational

۷۲. Turner, 1996, 2005.

۷۳. Bourdieu's Habitus



سیاسی را بازتولید می‌کنیم.<sup>۷۴</sup> از این رو، درک ما از سیاست و ظرفیت‌مان برای مقاومت در برابر نیروهای سیاسی همیشه از خلال بدنمان حاصل می‌شود.

بدنمندی را می‌شود بر اساس میزانی که افراد نابرابری‌های اجتماعی را تداوم می‌بخشند نقدی بر قدرت انضباطی و زیست‌سیاست دانست. نظریه‌پردازان بدنمندی و همچنین سایر جامعه‌شناسان فرهنگی به‌ویژه متوجه و منتقد این امر هستند که اشکال مختلف قدرت، یعنی قدرت جزایی، پزشکی و غیره، دائماً بدن را تنظیم و مدیریت می‌کنند. قدرت انضباطی و زیست‌قدرت رویکردهایی از بالا به پایین دارند که فضای کمی برای کنش و مقاومت فردی باقی می‌گذارد و همین خصوصیت باعث می‌شود متخصصان نگاه مثبتی به آن‌ها نداشته باشند. طبق رویکرد بدنمندی، جوامع فراصنعتی از درجه‌ای از عاملیت برخوردارند که در رویکرد انضباطی یا زیست‌سیاست وجود ندارد. از نظر ترنر، قدرت انضباطی بازتاب‌دهنده اعمال قدرت پیش‌سرمایه‌داری بر بدن است که می‌خواهد امیال «درونی» بدن را تنظیم کند. در مقابل، وقتی بدن در فرهنگ‌های اقتصادی مبتنی بر مصرف قرار می‌گیرد، به نشانه «زندگی باکیفیت» و نشانه «سرمایه فرهنگی» تبدیل می‌شود.<sup>۷۵</sup> شلینگ می‌گوید در پی افزایش رفتارهای مصرف‌گرایانه خود روح‌مند<sup>۷۶</sup> جایش را به خود بدنمند<sup>۷۷</sup> داده است.<sup>۷۸</sup> شلینگ معتقد است بیش از اینکه بدن منقاد تحت فرمان دولت به بدنی مولد تبدیل شود، این افراد هستند که با استفاده از طیف وسیعی از مواد بدن خود را تغییر می‌دهند و مدیریت می‌کنند.<sup>۷۹</sup> این مواد شامل کتاب‌های خودیاری، جراحی زیبایی یا حتی رژیم غذایی شدید می‌شود؛ همه این‌ها برای این است که بدنمان را به شکل دلخواه‌مان درآوریم. باین حال، از نظر شلینگ، این مقدار کنترل بی‌سابقه بر خود بدنمند باعث شده است به درک خود از بدن و مدیریت آن دچار شک، تردید و گیجی شویم. بنابراین، بدنمندی تلاش می‌کند با وارد کردن مسئله افزایش عاملیت فردی در مطالعات قدرت و جامعه به محدودیت‌های رویکردهای زیست‌سیاست و انضباطی بپردازد.

ادبیات پژوهشی پیرامون بدنمندی فاقد مطالعات تجربی درباره سیاست است؛ اما می‌توانیم با اتخاذ رویکردی بدن‌محور به پرسش‌های مربوط به میزان عاملیت موجود در شکل‌گیری هویت‌های سیاسی‌مان و همچنین نقش ناخواسته‌مان در تداوم نابرابری‌های اجتماعی پاسخ دهیم. با اینکه تبعیض سیاسی و ظرفیت مقاومت همیشه در بدن وجود دارد، باید به‌طور تجربی نشان داد که این مقاومت چگونه و کجا صورت می‌گیرد.

## محدودیت‌هایی برای جنبش‌های اجتماعی

۷۴. Bourdieu, 1990; Bourdieu and Wacquant, 1992.

۷۵. Turner, 1996, 3.

۷۶. The project of The Self (Character)

۷۷. The project of The Body (Personality)

۷۸. Falk, 1994; Featherstone, 2000.

۷۹. شلینگ, 1993

از رویکرد بدنمندی به دلیل «افراط در توجه به بُعد فیزیکی بدن»، که گفتمان را محدود می‌کند، انتقاد شده است.<sup>۸۰</sup> با این حال، هنگام اتخاذ رویکرد بدنمندی برای جنبش‌های اجتماعی، بحث بین فیزیک بدن و گفتمان نیست؛ بلکه هدف میزان عاملیت موجود در سبک زندگی و رفتارهای مصرفی طبقه متوسط و متوسط روبه‌بالا و اعمال همان میزان عاملیت در حوزه‌های سیاسی است که قواعد مدنی و هنجارهای اخلاقی محدودشان کردند. از نظر سیاسی، علاوه بر تردید یا اضطراب درباره ظاهر فیزیکی، سؤالات دیگری هم درباره پیامدهای افزایش عاملیت مطرح می‌شود. تحقیقات جنبش اجتماعی قبلاً ثابت کرده است اضطراب، فشار و دلهره از عواملی نیستند که مردم را درگیر کنش سیاسی می‌کنند.<sup>۸۱</sup> مشکل تا حدی این است که بدنمندی از عاملیت برای اشاره به خلاقیت، و نه تغییر اجتماعی، استفاده می‌کند. این مسئله دو سؤال خاص را ایجاد می‌کند؛ اول اینکه برخورد ما با مشکلاتی که تأثیر فردی دارند و مشکلاتی که تأثیر جمعی دارند باید چگونه باشد؟ و دوم اینکه این تفاوت چطور به کنش سیاسی منجر می‌شود؟ برای مثال، ایدز روی پوست فرد لکه و دل‌م‌ه به جای می‌گذارد و ظاهر فرد را تحلیل‌رفته و ضعیف نشان می‌دهد. همه این‌ها نقش پررنگی در زندگی فرد مبتلا به ایدز دارد. با این حال، برخی گروه‌های اجتماعی، مانند مردان همجنس‌گرا، مصرف‌کنندگان مواد مخدر و غیره، به خاطر اینکه ابتدا به ایدز تداعی‌کننده سبک زندگی «آلوده، ناپاک و غیراخلاقی» است، به حاشیه رانده شده‌اند؛ یعنی افرادی که مبتلا به ایدز نیستند اما به گروه‌های همجنس‌گرا یا معتادان متعلق‌اند تحت تأثیر این نگاه قرار گرفته‌اند و به حاشیه رانده شده‌اند. بسیاری از افرادی نیز که همین کمپین‌های حامی بیماران ایدز نمایندگی‌شان می‌کند به ایدز مبتلا نیستند. بنابراین، حضور فیزیکی و فرایند بدنمندی، که در هویت‌سازی نقش دارند، به مشکلات فرهنگی و سیاسی مربوط به نمایندگی صحیح از افراد نمی‌پردازند.

سؤال دوم مسائلی را درباره پیامدهای اجتماعی انتخاب اشکال مختلف مدیریت بدن مطرح می‌کند. بدیهی است پیامدها بر اساس نژاد، جنسیت و جغرافیا تفاوت دارد. اما مسئله مهم برای مقاله حاضر این است که جنبش‌های اجتماعی در صورت نقض قواعد فرهنگی رایج با پیامدهای سیاسی جدی اعمال شده از سوی دولت، مانند زندان، مرگ و به حاشیه رانده شدن بیشتر، مواجه می‌شوند. بدنمندی می‌گوید اهمیت ساختار اجتماعی بر تجربه بدنی نقش علی پررنگی دارد؛ اما هیچ گزارشی مبنی بر نقش هنجارهای اخلاقی مدنی بر جنبش‌های اجتماعی ارائه نمی‌کند، در حالی که نقض این اصول اخلاقی درجات مختلفی از تحریم و تنبیه را به همراه دارد. برای مثال، فرض می‌کنیم در حال انجام پژوهشی هستیم و قرار است در آن از بدنمندی به عنوان ابزاری مفهومی برای درک اینکه جوامع چه برخوردی با مناسبات مختلف اقتصادی و زندگی محلی دارند استفاده کنیم. این مناسبات را می‌توان در بازارهای کشاورزان و جنبش‌های حفاظت از آثار تاریخی مشاهده کرد. ممکن است پژوهشمان به این سؤالات جواب دهد که چرا مردم ترجیح می‌دهند برای کالاها و مادیات بیش از چیزهای دیگر پول خرج کنند یا چرا زندگی در مناطق خاصی را به زندگی در دیگر مناطق ترجیح می‌دهند، یا چرا به جای استفاده از خودرو، دوچرخه‌سواری یا پیاده‌روی می‌کنند، اما این توضیحات را به نظریه‌های اقتصادی تصمیم‌گیری و انتخاب عقلانی تقلیل ندهد.

۸۰. Latour, 2004.

۸۱. McAdam, 1999, p: 1-19; Ferree and Hess, 2000, p: 25-32.

با این حال، پرسش‌هایی درباره میزان عاملیت به عنوان ظرفیت ایجاد تغییر، و نه خلاق بودن، و نقش هنجارهای اخلاقی بر رفتارها و پرفورمنس‌های به کاررفته در جنبش‌های اجتماعی باقی خواهد ماند. این امر به ویژه هنگام مفهوم‌سازی پارادوکس افزایش عاملیت در «جنبش‌های اجتماعی جدید» مصداق دارد. در این مورد، افزایش عاملیت جنبش‌های اجتماعی، که برای حقوق «دیگران» مبارزه می‌کند، به بهای محدود کردن یا به کلی از بین بردن عاملیت جمعیت به حاشیه رانده شده اتفاق می‌افتد.

## فمینیسم و پرفورماتیویتی

اهمیت بدن، بیش از هر رویکرد انتقادی جامعه‌شناختی دیگر، همیشه مرکز توجه فمینیسم بوده است. پیش از اینکه فمینیسم آکادمیک تئوری‌پردازی درباره بدن زنان را آغاز کند، فمینیست‌ها برای حقوق بدنی شامل حقوق باروری، حقوق قربانیان تجاوز و سوءاستفاده جنسی، شیردهی و معیارهای زیبایی مبارزه کرده‌اند. دانش فمینیستی در راستای ردِ دوگانه‌پنداری<sup>۸۲</sup> و به نفع فمینیسم ضدذات‌گرا<sup>۸۳</sup> از بدن در نظریه‌هایش استفاده و از طریق استعاره «سایبورگ»<sup>۸۴</sup> تفهیم می‌کند.<sup>۸۵</sup> هدف فمینیسم در اینجا این است که مفروضات بیولوژیک و جهان‌شمول انسان‌گرایی پدرسالار<sup>۸۶</sup> و رویکردهایی را که می‌گویند پزشکی، علم و فرهنگ در بدن زنان «تغییر» و «تحریف» به وجود می‌آورد به چالش بکشد.<sup>۸۷</sup> روایت‌های فمینیستی از بدن مرهون دیدگاه انضباطی درباره بدن است؛ با این حال فمینیست‌ها محدودیت‌های رویکرد گفتمانی و متنی را برشمرده‌اند و سعی کرده‌اند آن‌ها را رفع کنند. این نقد فمینیست‌ها بدن جنسیت‌زده را «بازیابی» می‌کند و به پرسش‌های مربوط به عاملیت در حوزه قدرت پاسخ می‌دهد.

کامل‌ترین و از نظر سیاسی مفیدترین مفهومی که متفکران فمینیست درباره بدن ارائه داده‌اند مفهوم «پرفورماتیویتی» است. پرفورماتیویتی یعنی «بدنمند و مجسم شدن ایدئال‌های هنجاری از طریق فرایند تقلید که به موجب آن بدن از نظر فرهنگی درک‌پذیر می‌شود.»<sup>۸۸</sup> ایده پرفورماتیویتی این است که کلمات و کارهای ما صرفاً جهان را توصیف نمی‌کنند، بلکه آن را می‌سازند.<sup>۸۹</sup> باتلر اهمیت جنبه‌های پرفورماتیو<sup>۹۰</sup> بدن را در رابطه با محدودیت‌های ساختار اجتماعی رویکرد جنسیتی<sup>۹۱</sup>، که

---

۸۲. Dualism

۸۳. Anti-essentialist Feminism

۸۴. The Cyborg Metaphor

۸۵. Haraway, 1991.

۸۶. Grosz, 1994.

۸۷. Bordo, 1993.

۸۸. Bell, 2007, p: 100.

۸۹. Loxley, 2007.

۹۰. Performative

۹۱. Gender approach

مضمن تمایز بین «جنس»<sup>۹۲</sup> و «جنسیت»<sup>۹۳</sup> است، یادآوری و خودبنیادی «فرهنگ» را به بدن پررنگ می‌کند؛<sup>۹۴</sup> به این معنی که بدن در فرهنگ محو و گم می‌شود.<sup>۹۵</sup> جنبهٔ پرفورمیتیو جنسیت بر این تأکید دارد که طی چه روندی مردان و زنان یاد می‌گیرند ژست‌های بدنی، حالات، نوع صحبت کردن و ظاهر خود را طبق هنجارهای مرسوم جنسیتی تنظیم کنند. از نظر باتلر، جنسیت زیستی برساختی ایدئال شده و هنجار اجتماعی قدرتمندی است که با پرفورمنس‌های جنسیتی مرتبط است و ایدئال‌های زنانگی را به زنان و مردانگی را به مردان نسبت می‌دهد. پرفورمیتیویتی امری مدت‌دار و طولانی است؛ به این صورت که تکرار مداوم ژست‌ها و حرکاتی است که پیش‌تر گفته شد. مثلاً من نوعی با انجام مکرر حالت‌های معمول مردانه، مثل محکم دست دادن و لم دادن روی صندلی یا با پوشیدن لباس‌های خاص مردان مثل پیراهن و کراوات، هویت خود را در نقش مردی دگرجنس‌گرا نشان می‌دهم. با گذشت زمان، خودآگاهی‌ام را به پرفورمنس بدنمند خود از دست می‌دهم. این نه‌تنها در پرفورمنس حرکات بدنی و لباس پوشیدن مشهود است، بلکه در کارها و حرکاتی که انجام نمی‌دهم نیز دیده می‌شود؛ مثلاً اینکه مرد دگرجنس‌گرا شُل و لطیف دست نمی‌دهد.

پرفورمیتیویتی از این جهت که هنجارهای فرهنگی را تکرار و بازتولید می‌کند با قدرت مرتبط است. رابطهٔ بین پرفورمیتیویتی و هنجارها دو وجه شگرف دارد. اول قدرت و انعطاف‌پذیری هنجارهای فرهنگی در طول زمان از طریق پرفورمنس‌های بدنمند در سطح جمعی بازتولید می‌شود؛ یعنی ایدئال‌های فرهنگی را با عمل به آن‌ها ایجاد و تقویت می‌کنیم. دوم جامعه با تحریم و تنبیه کردن در صورت بروز پرفورمنس‌های نامقبول مجبورمان می‌کند پرفورمنس‌های تأییدشدهٔ جامعه را به شکلی صحیح انجام دهیم. طبق گفتهٔ باتلر، این تنبیه‌ها شدت متغیری دارند و طیفش از قوانین رسمی تا تهدید فراگیر خشونت علیه همجنس‌گرایان زن و مرد و افراد ترانجنسیتی را شامل می‌شود. اگر به این توجه کنیم که دولت هنجارهای اجتماعی مثل ازدواج یا وراثت را سیاست‌گذاری و حمایت می‌کند و از آن طرف، پرفورمنس‌های خودمان هم طبق هنجارهای اجتماعی باشند، آنگاه به ماهیت پیچیدهٔ هم‌پوشانی قدرت و فرهنگ در جامعه پی خواهیم برد.

به‌رغم شباهت‌های مفهومی نقش قدرت و بدن، پرفورمیتیویتی با دیدگاه‌های انضباطی و زیست‌سیاست تفاوت دارد. قدرت انضباطی با قرار دادن ایدئال‌های فرهنگی در حرکات و ژست‌های بدنی مشخص می‌کند چه چیزی مجاز و چه چیزی ممنوع است. در مقابل، دیدگاه پرفورمیتیویتی بر ظرفیت ما به‌عنوان گروه‌های اجتماعی دارای پرفورمنس‌های معین و تکرارشونده در طول زمان تأکید می‌کند.<sup>۹۶</sup> برخلاف قدرت انضباطی که به‌علت ماهیت هنجارسازش جایی برای پرفورمنس مغایر با ایدئال‌ها باقی نمی‌گذارد، پرفورمیتیویتی می‌گوید نیاز هنجارهای اجتماعی به تکرار شدن نشان می‌دهد شاید قدرت بیش از

۹۲. Sex؛ جنسیت فیزیکی و بیولوژیک.

۹۳. Gender؛ جنسیت روانی، تاریخی و اجتماعی.

۹۴. Butler, 1990, 1993.

۹۵. در واقع رویکرد پرفورمیتیو خود را در مقابل مدل‌های «آمپرسند» و «افزودنی» هویت قرار داده است. (Probyn, 1999; Fortier, 1999)

۹۶. Bell, 2007, p: 11-28.

آنچه دیدگاه انضباطی می‌گوید محل چالش و مقاومت باشد.<sup>۹۷</sup>

پرفورمیتیوی و زیست‌قدرت بر اساس درک متفاوتشان از رابطه بین افراد و جامعه و میزان قدرت دولت با هم فرق دارند. زیست‌سیاست رویکردی از بالا به پایین است و هدفش تولید و حفظ مشروعیت دولت از طریق مدیریت سلامت و عملکردهای بیولوژیکی جمعیت است. اشکال مختلف تخصص علمی و پزشکی به افراد می‌آموزند به بهترین نحو از خود مراقبت و سلامتشان را حفظ کنند. دولت برای مشروعیت بخشیدن به اقتدار حکومت طی اقداماتی سیاسی از قحطی و بیماری‌های همه‌گیر جلوگیری می‌کند. این اقدامات سیاسی شامل این‌ها است: تهیه واکسن، خانه‌سازمانی و حمایت از صنعت بیوتکنولوژی در غنی‌سازی غذا با ویتامین. در مقابل، پرفورمیتیوی به این موضوع توجه می‌کند که کارهای ما ایدئال‌های فرهنگی و در نتیجه نابرابری‌هایی را که به دنبال دارد به‌رغم دخالت دولت بازتولید می‌کند. برای مثال، «رفتارهای بهداشتی پرخطر» مانند سیگار کشیدن، موتورسواری یا رابطه جنسی محافظت‌نشده، که اعمال فرهنگی هستند، با پیامدهای مربوط به حوزه سلامت شامل سرطان، آسیب، بیماری و مرگ زودرس مرتبط‌اند. پرفورمیتیو و تکرارشونده بودن «رفتار پرخطر» به استحکام یافتن ایدئال‌های پزشکی درباره آنچه سالم یا بیمار و متعاقباً رفتار هنجار یا ناهنجار تعبیر می‌شود کمک کرده است؛ بخش بزرگی از جمعیت تخصص پزشکی ندارند و بنابراین، طبق سطح ناکافی «سواد سلامت» درکشان از اینکه چه چیزهایی از جهت پزشکی باعث اثرات نامطلوب سلامتی و بهداشتی می‌شود بسیار پایین است.<sup>۹۸، ۹۹</sup>

مفهوم پرفورمیتیوی با رویکرد بدنمندی نیز از نظر مسائل مربوط به عاملیت متفاوت است. هر دو رویکرد موافق‌اند ما نابرابری‌های سیاسی را از طریق کنش‌های بدنمندی مداوم می‌بخشیم؛ اما پرفورمیتیوی معتقد است عاملیت امری ممکن است، اما چیزهایی مانند هنجارهای جنسیتی بدن زنانه، بدن مردانه یا بدن زیبا آن را به شدت محدود می‌کند. این با رویکرد بدنمندی فرق دارد که می‌گوید فرهنگ مصرف‌گرا افزایش میزان عاملیت را به همراه دارد، اما از طرفی هم عوامل روان‌شناختی مانند اضطراب یا نگرانی درباره ظاهر بدن مانع این عاملیت می‌شوند. در مقابل، پرفورمیتیوی سوژگی را محصول پرفورمنس می‌داند و دامنه ویژگی‌های ذهنی و فردی را به اختلالات روان‌شناختی محدود نمی‌کند. برای مثال، پرفورمیتیو بودن معیارهای زیبایی جنسیت‌زده، که لاغر بودن یکی از آن‌هاست، به اضطراب یا تغییر شکل بدن زن منجر نمی‌شود؛ بلکه معیارهای جنسیت‌زده اجباری لاغری را بازتولید می‌کند.<sup>۱۰۰</sup> این بازتولید معیارهای زیبایی بدن از طریق نحوه لباس پوشیدن، آرایش کردن، انتخاب و پخت غذا انجام می‌شود. در نتیجه این کارها، معیارهای زیبایی در ظاهر بدنمندی زنان متجلی می‌شود.

۹۷. Butler, 1997.

۹۸. اما همین گروه کم‌سواد هم به علت ماهیت تکرارشونده پرفورمنس‌ها، هنجارهای پزشکی درونشان نهادینه می‌شود و در بسیاری مواقع بدون اینکه از علت پزشکی و علمی سر در بیاورند، مطابق هنجارها رفتار می‌کنند. م.

۹۹. Nutbeam, 2008; White et al. 2008.

۱۰۰. همان‌طور که بوردو (Bordo, 1993) نشان داده است، افراد دارای اختلال غذا که به خود گرسنگی می‌دهند تا لاغر شوند درک تحریف‌شده‌ای از بدن زیبا ندارند؛ مشکل، افراط آن‌ها برای دستیابی به زیبایی است.

## محدودیت‌هایی برای جنبش‌های اجتماعی

پرفورمیتیوی در صورت‌بندی مفهومی فعلی‌اش به ما کمک می‌کند بدانیم جنبش‌های اجتماعی چگونه هویت‌های جمعی را تولید، استفاده و حفظ می‌کنند. اتخاذ بینش‌های حاصل از رویکرد پرفورمیتیوی نشان می‌دهد جنبش‌های اجتماعی برای به چالش کشیدن قواعد فرهنگی هویت‌های جدید می‌سازند یا هویت‌های موجود را تقویت می‌کنند. باین‌حال، سؤالاتی در رابطه با نتایج و پیامدهای سیاسی، پیامدهای ناخواسته پرفورمنس‌ها<sup>۱۰۱</sup> و رقابت پرفورمنس‌ها بر سر مسئله نمایندگی<sup>۱۰۲</sup> مطرح می‌شود. یکی از اصول پرفورمیتیوی این است که پرفورمنس‌ها با نظام سلسله‌مراتبی مطابقت داشته باشند. باین‌حال، در جنبش‌های اجتماعی پرفورمنس‌ها با هم بر سر موضوع نمایندگی رقابت می‌کنند؛ به این صورت که آرمانی خاص نماینده گروه خواستار حقوق یا امتیازات دولتی می‌شود. برای مثال، سیدمن نشان داده است که نتیجه مبارزات سیاسی مردان و زنان همجنس‌گرا تصویری ایدئال از «شهروند همجنس‌گرای خوب» ایجاد کرده است؛ همجنس‌گرایی که تهدیدی برای جامعه ندارد و رفتارش طبق هنجارهای مرسوم جنسیتی است. این امر مردان و زنان همجنس‌گرایی را که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند مطابق تصویر ایدئال همجنس‌گرای خوب باشند حذف می‌کند. مردان و زنان همجنس‌گرایی که بازتاب‌دهنده تصویر همجنس‌گرای غیرتهدیدآمیزند در مبارزات ازدواج همجنس‌گرایان مفید و کمک‌کننده واقع شده‌اند و متعاقباً فضایی را در جامعه غالب «دگرجنس‌گرا» برای همجنس‌گرایان خوب باز کرده‌اند؛ اما این دستاورد به قیمت به حاشیه رانده شدن شهروندان به اصطلاح دارای رفتار جنسی بد و نامقبول حاصل شده است.<sup>۱۰۳</sup> تأثیرات و پیامدهای گسترده‌تر شهروند همجنس‌گرای خوب تقویت هنجارها و رفتارهای جنسی ایدئال «شهروند جنسی خوب» بوده است. بنابراین، استفاده از پرفورمیتیوی باید گسترش یابد تا بتوانیم اهمیت نتایج سیاسی و تأثیرات علت و معلولی اشکال خاص مقاومت را بر بسیج نیروها درک کنیم.

## گامی به سوی رویکردی بدنمند به جنبش‌های اجتماعی

به‌رغم تفاوت‌های مفهومی بین رویکردهای فوق، اشتراکاتی هم دارند. آن‌ها در موضوعات مربوط به روند برساخت فرهنگی-تاریخی بدن و نقش بدن در بازتاب روابط نامتوازن قدرت هم‌پوشانی دارند. بنابراین هرگونه استفاده از بدن در جنبش‌های اجتماعی باید با این دو فرض آغاز شود. باین‌حال، درباره جنبش‌های اجتماعی استفاده مفهومی ما از بدن باید به این مسائل بپردازد: (۱) محدودیت‌های اخلاقیات مدنی هنجاری که اشکال بالقوه مبارزه را محدود و پیامدهای سیاسی را پیش‌بینی‌پذیر می‌کند، (۲) چگونه پرفورمنس‌های بدنمند در جمعیتی ناهمگون همبستگی و اتحاد ایجاد می‌کنند تا بسیج نیروها شکل بگیرد، و (۳) بروز شکاف درون گروه‌های اجتماعی و بازقشربندی افراد در گروه‌های جدید طی فرایند جنبش اجتماعی. این

۱۰۱. پیامدهای ناخواسته پرفورمنس‌ها؛ گاهی پرفورمنس پیامدهایی به همراه دارد که مدنظر افراد نبوده است. م.

۱۰۲. رقابت پرفورمنس‌ها بر سر مسئله نمایندگی؛ پرفورمنس‌ها نمادهایی‌اند که پیامی را مخابره می‌کنند. اینکه کدام پرفورمنس نماد یا نماینده مفهوم موردنظر باشد رقابت را به وجود می‌آورد. مثلاً نماینده جنبش زن، زندگی، آزادی برداشتن شال و روسری‌هاست. یعنی این پرفورمنس بر پرفورمنس‌های بالقوه دیگر که ممکن بود نماینده بدنمند جنبش باشند پیروز شده است. م.

۱۰۳. Seidman, 2002, p: 163-98.

سه مورد به پرسش‌های پژوهشی حوزه جنبش اجتماعی درباره اهمیت جوامع سیاسی، چرایی پیوستن افراد به جنبش اجتماعی و ماندن در آن، نحوه سازمان‌دهی جنبش‌های اجتماعی و انواع تغییرات یا نتایج سیاسی ناشی از خودبنیادی مردم می‌پردازند.

برای پرداختن به سؤالات فوق، در دفاع از اهمیت «پرفورمنس بدنمند» در مبارزات جنبش‌های اجتماعی استدلال می‌کنم. پرفورمنس بدنمند بر ترکیب مفاهیم پرفورمیتیوی و پرفورمنس مبتنی است. پرفورمیتیوی یعنی نحوه استفاده از پرفورمنس‌های هنجاری تکرارشونده برای ایجاد مناسبات، گروه‌ها، مرزبندی‌ها و روابط جدید به‌منظور حفظ جامعه. در مقابل، پرفورمنس به میزان کفایت و توانایی در انجام و تکمیل پرفورمنسی خاص گفته می‌شود. با ترکیب این دو مفهوم، طرحی مفهومی از بدن را در پژوهش جنبش اجتماعی پیش می‌کشم که نشان می‌دهد چطور جنبش‌های اجتماعی نیروها را برای تحقق تغییر بسیج می‌کنند، از عواطف برای ایجاد نوعی احساس همبستگی بهره می‌برند و می‌توانند به‌لحاظ تجربی به کار روند تا بر اهمیت پیامدهای هنجاری پرفورمنس‌ها انگشت تأکید بگذارند.

همه جنبش‌های اجتماعی در نظامی ممکن می‌شوند که واجد قلمرو است و بنابراین باید با محدودیت‌های هنجارهای مدنی موجود در گفتمان جامعه مدنی آن قلمرو سازش و پیکار کنند.<sup>۱۰۴</sup> شهروندان وقتی اعمال دیگران را تفسیر و قضاوت می‌کنند تا «دوست» را از «دشمن» تشخیص دهند، درواقع از گفتمان جامعه مدنی استفاده می‌کنند. برخلاف این ایده که هنجارها مطلقاً دارای زمینه و اجباری‌اند<sup>۱۰۵</sup> و افراد احساس می‌کنند مجبورند آن‌ها را برای موجودیت و بقای فرهنگی خود بپذیرند،<sup>۱۰۶</sup> معتقدم جنبش‌های اجتماعی مبتنی بر اصلاحات به هنجارهای مدنی «متوسل» می‌شوند، زیرا از هنجارهای مدنی وام می‌گیرند، آن‌ها را به چالش می‌کشند و همین‌طور با آن‌ها بر سر معانی غالب موجود جداکننده «دوست» از «دشمن» کشمکش می‌کنند و به نتیجه می‌رسند. جنبش‌های اجتماعی با توسل به هنجارهای مدنی کاری بیش از تطبیق دادن خود با معانی خوب انجام می‌دهند. جنبش‌های اجتماعی مدعی‌اند ایدئال‌ها را تنها نمایندگی می‌کنند، اما درحقیقت ایدئال‌ها را ایجاد می‌کنند. جنبش‌های اجتماعی حالت‌های بدنی، ژست‌ها، سبک صحبت کردن و شکل ظاهری گروهی را که نمایندگی می‌کنند بر اساس هنجارهای مدنی ایدئال شکل می‌دهند، به‌طوری‌که بدن‌ها نماد شهروند ایدئال باشند. جنبش‌های اجتماعی این کار را در سطح بدن انجام می‌دهند، زیرا بدن ظرفیت این را دارد که تصویر اجتماع موردنظر افراد را بازتاب دهد. برای توضیح بیشتر و فهم بهتر، نمونه‌ای می‌آوریم. در جنبش حقوق مدنی سیاهان، مجمع رهبری مسیحی جنوب<sup>۱۰۷</sup> دنبال نژادزدایی از بدن بود تا آنچه شهروند خوب بودن تصور می‌شد به چالش بکشد و در پی آن، این را که چه کسی شهروند خوب محسوب می‌شود تغییر دهد. اوایل دهه ۱۹۶۰، مجمع رهبری مسیحی مجموعه‌ای از مدارس به نام مدارس شهروندی

۱۰۴. Alexander, 1992; Baiocchi, 2006.

۱۰۵. Coercive

۱۰۶. Butler, 1997.

۱۰۷. SCLC (Southern Christian Leadership Conference)

بنا کرد تا از طریق آموزش بدن سیاه را نژادزدایی کند. این آموزش شامل خوشنویسی، تلفظ کلمات و آداب سخنوری، یعنی پرداختن به سبک و لحن گفتار، بود. طی این آموزش‌ها، بازتابی بدنی از شهروند سیاه منطقی و بااعتمادبه‌نفس، و به بیان دیگر «شهروند سیاه خوب»، ارائه می‌شد.<sup>۱۰۸</sup> بااینکه سیاهان و سفیدان ارزش‌ها و هنجارهای دموکراتیک یکسانی داشتند، رنگ پوست و معانی کلیشه‌ای منفی مرتبط با پوست سیاه نمی‌گذاشت آدم‌ها ببینند در ارزش‌های دموکراتیک شبیه یکدیگرند. از این رو، نژادزدایی از بدن فرصتی برای سیاهان فراهم آورد تا مفاهیم و مصداق‌های شهروند خوب بودن را از طریق جدا کردن خصوصیت سفید بودن از شهروند ایدئال بازتعریف کنند. این جدا کردن خصوصیت پوست سفید از شهروند ایدئال این فضا را به سیاهان داد که از طریق پرفورمنس‌های بدنمند شهروند خوب بودن را از خود نشان و بازتاب دهند.

پرفورمیتیوی در درجه اول به مسائل هویت و سوژگی می‌پردازد، اما محققانی که در این زمینه کار می‌کنند اخیراً مشغول بررسی و توجه به نقش پرفورمیتیوی در رابطه با مفهوم «تعلق خاطر»<sup>۱۰۹</sup> شده‌اند. تعلق خاطر نشان می‌دهد تعلق داشتن به گروهی خاص مشارکت ما را در پرفورمنس‌های مختلف به همراه دارد.<sup>۱۱۰</sup> پرفورمیتیو بودن هنجارهای بدنمند برای ایجاد ارتباط و پیوند بین افراد، هویت‌های جمعی، مکان‌ها و نقش پررنگ یادآوری<sup>۱۱۱</sup> مهم است.<sup>۱۱۲</sup> با توجه به اینکه همبستگی و اتحاد گروهی از خلال پرفورمنس‌های بدنمندی که احساس تعلق را بازتاب می‌دهند به وجود می‌آید، به اهمیت بالای عواطف و احساسات در تولید پیوندهای اجتماعی و سرمایه اجتماعی درون و میان جوامع سیاسی پی می‌بریم. احساسات برای جنبش‌های اجتماعی مهم‌اند، زیرا در تشویق افراد به پیوستن به جنبش، تقویت پیوندهای اجتماعی بین اعضا و جلب حمایت مخاطبان نقش دارند.<sup>۱۱۳</sup> وارد کردن بدن به تحقیقات جنبش اجتماعی کمک می‌کند درک پیچیده‌تر و بهتری از رابطه بین عواطف، هنجارها و جنبش‌های اجتماعی داشته باشیم؛ زیرا به این سؤال می‌پردازد که پس از احساس و هیجان اولیه چه تأثیر ماندگاری بر عاطفه انسان نقش می‌بندد. افعال تکرارشونده مانند کارهایی که در آداب‌ورسوم محلی یا دینی انجام می‌شود بار عاطفی دارند، اما موقتی است؛ بنابراین جوامع برای یادآوری و تجلیل تقدس و اهمیت جامعه نمادهایی می‌سازند.<sup>۱۱۴</sup> برای مثال، کمیته هم‌هنگی خشونت‌پرهیز دانشجویی از کلماتی با بار احساسی در جلسات، تجمعات و تظاهرات برای برانگیختن احساسات مخاطبان و تشویق آن‌ها به پیوستن به جنبش استفاده می‌کرد. عواطف و احساسات ایجادشده در تجمعات به موقعیت‌های درون‌سازمانی منتقل شد و نه تنها به خاطر سپرده شد، بلکه از طریق پرفورمنس‌های بدنمند بعدی دوباره احساس شد. این پرفورمنس‌ها شامل برگزاری جلسات، اعتراضات، تلاش برای جلب حمایت و موارد دیگر بود

۱۰۸. Hohle, 2009.

۱۰۹. Belonging

۱۱۰. Bell, 1999.

۱۱۱. پرفورمنس‌ها نماد ارزش‌ها و هنجارها هستند؛ به بیان دیگر، دارای معانی خاصی‌اند که برای جامعه مهم است. خصوصیت متمایز پرفورمنس‌ها تکرارپذیر بودن آن‌هاست. پرفورمنس‌ها تکرار می‌شوند تا اعضای جامعه ارزش‌ها و معانی مهم خود را از یاد نبرند. مفهوم یادآوری به همین امر اشاره دارد. م.

۱۱۲. Fortier, 1999; Bell, 2007.

۱۱۳. Jasper, 1998; Eyerman, 2006.

۱۱۴. Durkheim, [1912] 1995.



که به منظور حفظ مشارکت اعضای جنبش و یادآوری اینکه چرا به جنبش پیوستند انجام می‌شد.<sup>۱۱۵</sup> مفهوم پرفورماتیویتی توضیح می‌دهد جنبش‌های اجتماعی چگونه هنجارهای مدنی را بدنمند می‌کنند، اما مسائلی هم هست که پرفورماتیویتی به آن‌ها نمی‌پردازد؛ از جمله اینکه هنجارهای مدنی چگونه پیامدها و نتایج سیاسی را پیش‌بینی‌پذیر می‌کنند. پرفورماتیویتی مسائل مربوط به پیامدهای سیاسی را هم باز نمی‌کند. برای پرداختن به این پرسش‌ها، از مفهوم «پرفورمنس» که در نظریه پراگماتیسم فرهنگی<sup>۱۱۶</sup> استفاده می‌شود،<sup>۱۱۷</sup> بهره می‌جویم تا پرفورمنس‌های بدنمند را به عنوان شکلی از ارتباط نمادین درک کنیم. محققان جنبش‌های اجتماعی مدت‌ها است به استفاده از پرفورمنس‌های عمومی در سیاست‌های مشاجره‌آمیز توجه داشته‌اند.<sup>۱۱۸</sup> باین‌حال، صرف وجود پرفورمنس اهمیت ندارد؛ بلکه تکرار بدنمند هنجارهای مدنی، که از طریق نحوه راه رفتن فرد حین اعتصاب تا نحوه نگه داشتن شمع در ژستی مذهبی شکل می‌گیرد، نیز مهم است؛ زیرا پرفورمنسی که معنی خاصی دارد بازیگران را، که جامعه سیاسی یا جنبش‌کنندگان‌اند، به مخاطبان پیوند می‌دهد. بنابراین، موفق شدن یا نشدن در بدنمند کردن هنجارهای مدنی نوع پیامدهای سیاسی را پیش‌بینی‌پذیر می‌کند. اگر جنبش اجتماعی نتواند معانی مقدس قانون مدنی را بدنمند کند، گروه را از دستیابی به نتایج موردنظر خود از اعتراض بازمی‌دارد و همچنین مانع دستیابی آن‌ها به هدف بزرگ‌ترشان می‌شود؛ یعنی نمی‌گذارد جهان‌بینی هنجاری خود را، که فرهنگ مدنی موجود را به چالش می‌کشد، به خوبی به مخاطبان انتقال دهند.

پرفورمنس بدنمند با برجسته کردن نقش بدن در پرفورمنسی موفق درک ما را از نتایج سیاسی محقق شده از خلال پرفورمنس بهتر می‌کند. الکساندر پرفورمنس‌های موفق را از پرفورمنس‌های ناموفق بر اساس میزان توانایی بازیگران برای دستیابی به «بازقشربندی» متمایز می‌کند.<sup>۱۱۹</sup> پرفورمنس موفق به بازقشربندی دست می‌یابد، زیرا مخاطبان بازیگران را باورپذیر و «معتبر» تفسیر می‌کنند. درواقع، این استفاده از پرفورمنس اهمیت بسیار این را نشان می‌دهد که جنبش اجتماعی ایده‌های خود را از خلال پرفورمنسی که بازیگر و مخاطب را به هم پیوند می‌دهد ارائه کند. این نوع جنبش اجتماعی با نوع دیگر جنبش اجتماعی که ایده‌های خود را در قالب چارچوب برای مخاطبان ارائه می‌دهد فرق دارد و نقطه مقابل آن است. حتی قبل از توجه مخاطب به شواهدی که ادعای جنبش اجتماعی را تأیید می‌کند، بازیگر باید معتبر جلوه کند تا مخاطب بتواند پرفورمنس را به درستی تفسیر کند یا حتی صرفاً به آن توجه نشان دهد. به نظر من ژست‌های بدنی، حرکات، حالات چهره و غیره خوانشی بدنمند و درکی فرهنگی از پرفورمنس را بدون نیاز به ارائه آن از طریق گفتمان شفاهی فراهم می‌آورد.<sup>۱۲۰</sup>

۱۱۵. Hohle, 2009.

۱۱۶. Cultural Pragmatics؛ عمل‌گرایی فرهنگی

۱۱۷. Alexander et al. 2006.

۱۱۸. Eyerman, 2006; Tilly, 2008.

۱۱۹. Alexander, 2004.

۱۲۰. جنبشگران باید مواظب باشند پرفورمنس بدنمندشان بازتاب‌دهنده ادعایشان باشد؛ زیرا پرفورمنس‌ها خود گویای ارزش‌های موردنظر جنبشگران‌اند و نیازی به توضیح کلامی ندارند. اگر پرفورمنس با ارزش و ادعای جنبش هماهنگی نداشته باشد، فرصت از دست می‌رود. بنابراین، اهمیت هم‌راستا بودن پرفورمنس

برای مثال، در طول جنبش حقوق مدنی، زمانی که دانشجویان تحصن را آغاز کردند، کمیتهٔ هماهنگی خشونت‌پرهیز دانشجویی به دانشجویان آموزش داد پسرها کت‌وشلوار و دخترها پیراهن بپوشند تا مرتب و منظم به نظر برسند، کتاب‌های درسی‌شان را همراه خود بیاورند و با حالتی خوب و محکم پشت میز ناهار بنشینند. جیمز فارمر<sup>۱۲۱</sup> گفت واکنش رسانه‌های جنوبی محکوم کردن سفیدان به‌خاطر ظاهر و رفتار بچگانه‌شان در مقایسه با دانشجویان سیاه منظم و مرتب بود.<sup>۱۲۲</sup> سفیدان به سیاهان تَف کردند و فحش دادند؛ اما سیاهان آرامش خود را حفظ کرده و با طمأنینه نشسته بودند و واکنشی به سفیدان نشان ندادند. بنابراین، بخشی از موفقیت تحصن‌ها این بود که دانشجویان از طریق پرفورمنس بدنمند شهروند خوب بودن معتبر ظاهر شدند.

پرفورمنس بدنمند و بازقشربندی کمک می‌کند دربارهٔ مفهوم مهم «فرصت‌های سیاسی»<sup>۱۲۳</sup> فکر کنیم. فرصت سیاسی یعنی شکاف و گشایش در ساختار سیاسی که دسترسی جنبش‌های اجتماعی را به کانال‌های اصلی و غالب سیاسی فراهم می‌کند.<sup>۱۲۴</sup> مفهوم فرصت سیاسی امری منفعل است، به این دلیل که به‌رغم نقش تعیین‌کننده‌شان در نتایج جنبش اجتماعی، گاهی طول می‌کشد اعضای جنبش فرصت سیاسی را شناسایی کنند و متوجه آن شوند. برخلاف خوانش منفعلانه از فرصت سیاسی، پرفورمنس بدنمند موفق فعالانه دنبال ایجاد فرصت سیاسی از طریق ایجاد شکاف میان مخاطبان و سپس بازقشربندی آن‌ها از خلال پرفورمیتیو بودن هنجارهای مدنی است. اگر مثال بالا از تحصن‌های دانشجویی را در نظر بگیریم، آن‌ها توانستند با ایجاد شکاف بین سفیدان فرصت سیاسی خود را ایجاد کنند؛ یعنی با رفتار موجه خود دیگر سفیدانی را که از رفتار دانشجویان سفید وحشت‌زده و متعجب شده بودند متوجه ایده‌های خود کردند. با این کار آن‌ها توانستند میزهای ناهار را بدون هیچ تغییری در قوانین حکومت محلی یا ایالتی تفکیک‌زدایی کنند. از این‌رو، جنبش‌های اجتماعی از طریق پرفورمنس‌های بدنمند هنجاری روزنه‌هایی را برای ابعادی از جنبش که بازتاب‌دهندهٔ هنجارهای مدنی غالب است ایجاد می‌کنند و درعین‌حال به چالش‌ها و موقعیت‌های رقیب فرصت بروز و ظهور نمی‌دهند. بنابراین، پرفورمنس بدنمند موفق مطلقاً و با مرزی مشخص دوگانهٔ پذیرفتن برخی افراد و پس زدن دیگران را ایجاد نمی‌کند و پژوهش‌های بعدی باید به این سؤال پردازند که کدام نمادها و نمایندگی‌ها باعث بازقشربندی کدام مخاطبان شده‌اند.

## نتیجه

در این مقاله به بررسی مباحث و ادبیات کنونی دربارهٔ بدن پرداختیم تا به محدودیت‌های استفاده از بدن در تحقیقات جنبش

---

با ادعاهای جنبش این است که اعضای جنبش در چشم مخاطبان معتبر و باورپذیر جلوه کنند. اگر سیاهان رفتار یا پرفورمنس بدنمند ناشایستی از خود نشان می‌دادند، نمی‌توانستند سفیدها را تحت تأثیر قرار دهند و تغییر ایجاد کنند. م.

۱۲۱. James Farmer

۱۲۲. Farmer, 1965, p: 67-68.

۱۲۳. به‌اختصار، جنبش‌های اجتماعی از هنجارهای مدنی بدنمند مقبول جامعه استفاده می‌کنند تا فرصت سیاسی برای خود به وجود آورند؛ سپس طبق اصل شکاف و بازقشربندی، تعاریف موجود را دربارهٔ اینکه چه کسی شهروند خوب یا بد است تغییر می‌دهند. م.

۱۲۴. McAdam, 1999.

اجتماعی توجه کنیم. باین حال، این مقاله نقدی جامع نبود، زیرا پرسش‌های پژوهشی و مباحث مفهومی رویکردهای انضباطی، زیست‌سیاست، بدنمندی و پرفورمیتیویتی تاکنون به‌طور گسترده در زمینه جنبش‌های اجتماعی مطرح نبوده‌اند. باوجود این، اهمیت بدن و نیاز به رویکرد بدنمند در پژوهش جنبش‌های اجتماعی اطلاعاتی جدید درباره پرسش‌های اصلی سیاست و جنبش‌های اجتماعی، یعنی جامعه سیاسی، خودبنیادی جامعه، پیامدهای سیاسی و دستاوردهای سیاسی، فراهم می‌کند. طرحی مفهومی از بدن را بر اساس ترکیب رویکردهای پرفورمیتیویتی و پرفورمنس پیشنهاد دادم تا این مفهوم متناقض‌نما را توضیح دهم که چطور همان مجموعه هنجارهای مدنی که کنش را محدود می‌کنند این قابلیت را دارند که برای ایجاد تغییر اجتماعی استفاده شوند. آنچه در سر می‌پروراندم این بود که به‌زحمت جایی برای بدن در پژوهش پیرامون جنبش اجتماعی بکشایم تا فهم بهتری از این امر پیدا کنیم که چگونه بدنمند تعلق خاطر، پیوندهای عاطفی لازم را برای کنش منسجم و جمعی خلق می‌کنند و همچنین به درک بهتری از رابطه میان اخلاقیات مدنی هنجاری و پیامدهای سیاسی برسیم. اتخاذ رویکردی بدنمند می‌تواند به تحقیقات نویدبخش جدیدی در زمینه جنبش‌های سیاسی و اجتماعی منجر شود.

منابع:



- Alexander, Jeffery. 1992. 'Citizen and Enemy as Symbolic Classifications: On the Polarizing Discourse of Civil Society' Pp 289–308 in *Where Culture Talks: Exclusion and the Making of Civil Society*, edited by M. Fournier and M. Lamont. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Alexander, Jeffery C., Bernhard Giesen and Jason L. Mast (eds). 2006. *Social Performance: Symbolic Action, Cultural Pragmatics, and Ritual*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Armstrong, Elizabeth A. 2002. *Forging Gay Identities: Organizing Sexuality in San Francisco, 1950-1994*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Baiocchi, Gianpaolo. 2006. 'The Civilizing Force of Social Movements: Corporate and Liberal Codes in Brazil's Public Sphere.' *Sociological Theory* 24(4): 285–311.
- Bashford, Alison. 2000. 'Is White Australia Possible? Race, Colonialism, and Tropical Medicine.' *Ethnic and Racial Studies* 23(2): 248–71.
- Bell, Vikki. 2007. *Culture and Performance: The Challenge of Ethics, Politics and Feminist Theory*. Oxford and New York: Berg.
- Bordo, Susan. 1993. *Unbearable Weight: Feminism, Western Culture, and the Body*. Berkeley and Los Angeles: University of California Press.
- Bourdieu, Pierre and Loic J. D. Wacquant 1992. *Invitation to a Reflexive Sociology*, Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Butler, Judith. 1990. *Gender Trouble: Feminism and the Subversion of Identity*. New York: Routledge.
- Butler, Judith. 1993. *Bodies That Matter: On the Discursive Limits of Sex*. New York: Routledge.
- Butler, Judith. 1997. *The Psychic Life of Power: Theories in Subjection*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Castells, Manuel. 2000. *The Rise of the Network Society*. Malden, Massachusetts: Blackwell Publishers.
- Crowley-Matoka, Megan. 2005. 'Desperately Seeking 'Normal': The Promise and Perils of Living With Kidney Transplantation.' *Social Science and Medicine* 61: 821–31.
- Douglas, Mary. 1990. 'Symbolic Pollution.' Pp. 155–9 in *Culture and Society: Contemporary Debates*, edited by J.C Alexander and S Seidman. Cambridge: Cambridge University Press.
- Eyerman, Ron. 2006. 'Performing Opposition or, How Social Movements Move.' pp. 193–217 in *Social Performance: Symbolic Action, Cultural Pragmatics, and Ritual*, edited by J. Alexander, B. Giesen and J. Mast. Cambridge: Cambridge University Press.
- Eyerman, Ron and Andrew Jamison 1991. *Social Movements: A Cognitive Approach*. Cambridge: Polity Press.
- Falk, Pasi. 1994. *The Consuming Body*. London: Sage Publications.
- Farmer, James. 1965. *Freedom When?* New York: Random House.
- Featherstone, Mike (eds). 2000. *Body Modification*. London: Sages Publications.
- Ferree, Myra Marx and Beth B. Hess 2000. *Controversy and Coalition: The New Feminist Movement across Four Decades of Change*, 3rd edn. New York: Routledge.
- Foucault, Michel. 1977. *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*. Translated by Alan Sheridan. New York: Vintage Books.
- Foucault, Michel. 1978. *The History of Sexuality: An Introduction, Volume 1*. Translated by Robert Hurley. New York: Vintage Books.
- Foucault, Michel. 2007. *Security, Territory, Population: Lectures at the College De France 1977–78*. Edited by Michael Senellart. New York: Palgrave MacMillian.
- Grosz, Elizabeth. 1994. *Volatile Bodies: Toward a Corporeal Feminism*. Bloomington & Indianapolis: Indiana University Press.
- Haraway, Donna. 1991. *Simians, Cyborgs and Women: The Reinvention of Nature*. London: Free Association Books.
- Herring, Ronald J. 2007. 'Stealth Seeds: Bioproperty, Biosafety, Biopolitics.' *Journal of Developmental Studies* 43(1).



- Hohle, Randolph H. 2008. 'Symbolic Citizenship, Ethical Practice, and the Body: Competing Political Projects in the Black Civil Rights Movement 1954–1968'. PhD Dissertation, Department of Sociology, University at Albany State University of New York, Albany New York.
- Hohle, Randolph H. 2009. 'The Body and Citizenship in Social Movement Research: Embodied Performances and the Deracialized Self in the Black Civil Rights Movement 1961–1965.' *The Sociological Quarterly* 50(2): 283–307.
- Jacobs, Ronald N. 2003. 'Toward a Political Sociology of Civil Society.' *Research in Political Sociology* 12: 19–47.
- Jasper, James M. 1998. 'The Emotions of Protest: Affective and Reactive Emotions in and Around Social Movements.' *Sociological Forum* 13(3): 397–424.
- Jessop, Bob. 2007. 'From Micro-Powers to Governmentality: Foucault's Work on Statehood, State Formation, Statecraft, and State Power.' *Political Geography* 26: 34–40.
- Jochelson, Karen. 2001. *The Colour of Disease: Syphilis and Racism in South Africa, 1880-1950*. New York: Palgrave.
- Kertzer, David. 1999. 'Syphilis, Foundlings, and the Wet Nurses in 19th Century Italy.' *Journal of Social History*.
- Latour, Bruno. 2004. 'How to Talk About the Body? The Normative Dimension of Science Studies.' *Body and Society* 10(2–3): 205–29.
- Levine, Adeline Gordon. 1982. *Love Canal: Science, Politics, and People, DC Health and Company Lexington*. Massachusetts: Lexington Books.
- Mauss, Marcel. [1935] 2006 'Techniques of the Body.' Pp. 77–96 in *Techniques, Technology and Civilization*, edited by N. Schalaner. New York and Oxford: Berghahn Books.
- McAdam, Doug. 1999. *Political Process and the Development of Black Insurgency 1930–1970*, 2nd edn. Chicago and London: The University of Chicago Press.
- McAdam, Doug, John D. McCarthy and Mayer N. Zald (eds). 1996. *Comparative Perspectives on Social Movements: Political Opportunities, Mobilizing Structures, and Cultural Framing*. Cambridge: Cambridge University Press.
- McCammon, Holly J, Courtney Sanders Muse, Harmony D. Neuman and Teresa M. Terrell 2007. 'Movement Framing and Discursive Opportunity Structures: The Political Success of the US Women's Jury Movement.' *ASR* 72(5): 725–49.
- Melucci, Alberto. 1996. *Challenging Codes: Collective Action in the Information Age*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Nutbeam, Don. 2008. 'The Evolving Concept of Health Literacy.' *Social Science and Medicine* 67(12): 2072–8. Piven, Frances Fox and Richard Cloward 1977. *Poor People's Movements: Why They Succeed, How They Fail*.
- Polletta, Francesca. 1998. 'It Was Like a Fever...' Narrative and Identity in Social Protest.' *Social Problems* 45(2): 137–59.
- Probyn, Elspeth. 1999. 'Beyond Food/Sex: Eating and an Ethics of Existence.' *Theory, Culture & Society* 16(2): 215–28.
- Quetel, Claude. [1986] 1990. *History of Syphilis*. Baltimore, Maryland: John Hopkins University Press
- Rose, Nikolas. 2007. *The Politics of Life: Biomedicine, Power, and Subjectivity in the 21st Century*, New Jersey: Princeton University Press.
- Rose, Nikolas and Peter Miller 1992. 'Political Power Beyond the State – Problematics of Government.' *British Journal of Sociology* 43(2): 173–205.
- Rutherford, Stephanie. 2007. 'Green Governmentality: Insights and Opportunities in the Study of Nature's Rule.' *Progress in Human Geography* 31(3): 291–307.
- Schilling, Chris. 1993. *The Body and Social Theory*. London: Sage Publications.



- Seidman, Steven. 2002. *Beyond the Closet: The Transformation of Gay and Lesbian Life*. New York: Routledge.
- Skocpol, Theda. 1979. *States and Social Revolutions: A Comparative Analysis of France, Russia, and China*, Cambridge.
- Skocpol, Theda. 1985. 'Bringing The State Back In: Strategies of Analysis in Current Research.' Pp. 90–110 in *American Society and Politics: Institutional, Historical, and Theoretical Perspectives*, edited by T. Skocpol and J. Campbell. New York: McGraw Hill.
- Snow, David A., E. Burke Rochford Jr, Steven K. Worden and Robert D. Benford 1986. 'Frame Alignment Processes, Micromobilization, and Movement Participation.' *American Sociological Review* 51: 464–82.
- Snowden, Frank. 1995. *Naples in the Time of Cholera 1884–1911*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Steinberg, Marc. 1998. 'Tilting the Frame: Considerations on Collective Action Framing From a Discursive Turn.'
- Steinmetz, George. 2007. *The Devil's Handwriting: Precolonial Ethnography and the German Colonial State in Qingdao, Samoa, and Southwest Africa*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Tilly, Charles. 1978. *From Mobilization to Revolution*. New York: Basic Books, Inc. Publishers.
- Tilly, Charles. 2008. *Contentious Performances*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Turner, Bryan S. 2005. 'Introduction – Bodily Performance: On Aura and Reproducibility.' *Body and Society* 11(4): 1–17.
- Weber, Max. 1946[1958]. 'The Protestant Sects and the Spirit of Capitalism.' Pp 302–22 in *From Max Weber: Essays in Sociology*, edited by H. H. Gerth, C. Wright Mills. Oxford: Oxford University Press.
- White, Sheida, Jing Chen and Ruth Atchinson 2008. 'Relationship Between Preventive Health Practices and Health Literacy: A National Study.' *American Journal of Health Behavior* 32(3): 227–42.

## درباره نویسنده

رندالف هول استادیار جامعه‌شناسی در کالج دیوویل<sup>۱۲۵</sup> در بوفالوی نیویورک است. او دکترای خود را درباره بدن و جنبش‌های اجتماعی با تمرکز تجربی بر جنبش حقوق مدنی در دانشگاه ایالتی نیویورک<sup>۱۲۶</sup> در آلبانی در سال ۲۰۰۸ به پایان رساند. در همان سال جایزه پایان‌نامه دکترای ممتاز دانشگاه آلبانی را دریافت کرد. هول در حال تبدیل پایان‌نامه خود به کتاب است. تحقیقات فعلی او علاوه بر بدن و جنبش‌های اجتماعی، بر بازخورد دولت در رابطه با چالش‌های حقوق شهروندی نژاد، فضا و اشکال حکومت نیز متمرکز است. جامعه‌شناسی فرهنگی و بدن، جامعه‌شناسی سیاسی، شهروندی، جامعه مدنی، جنبش‌های اجتماعی، نظریه اجتماعی معاصر، نژاد، شهرنشینی و جامعه‌شناسی تاریخی تطبیقی از علایق پژوهشی او است.

---

۱۲۵. D'Youville

۱۲۶. State University of New York System